

رابطه بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۰

از صفحه ۳۳ تا ۵۰

مراد عباسی^۱، عبداللطیف کاروانی^۲

چکیده

زمینه و هدف: فقر و به تبع آن حاشیه‌نشینی، از مهم‌ترین پدیده‌های آسیب‌زای اجتماعی و اقتصادی هستند که پژوهش‌های زیادی از ابعاد مختلف به تبیین رابطه بین فقر و حاشیه‌نشینی با جرم پرداخته‌اند. هدف از مقاله حاضر، بررسی رابطه بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین ملارد است.

روش: مقاله حاضر یک پژوهش کاربردی با رویکرد کمی است که اطلاعات آن با استفاده از ابراز پرسشنامه و به روش پیمایشی مقطعی، جمع‌آوری و تحلیل شده است. جامعه آماری شامل متهمانی است که طی یک ماه به کلانتری‌های مستقر در شهر ملارد مراجعه کرده و دارای سابقه حداقل یک مرتبه ارتکاب جرم و حداقل ۲ ماه سکونت در مناطق حاشیه‌نشین شهر ملارد را داشته‌اند. روش نمونه‌گیری نیز به صورت تصادفی ساده بوده است. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که شاخص فرهنگ فقر با جرم سرقت، تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرائم منافی عفت رابطه معنادار منفی داشته و شدت این رابطه به ترتیب برای سرقت ۰/۱۸۱-، تخریب اموال ۰/۲۲۱-، مصرف مواد مخدر ۰/۱۷۴-، نزاع و درگیری ۰/۲۰۵-، آدم‌ربایی ۰/۱۸۶ و جرائم منافی عفت برابر با ۰/۱۲۲- بود.

نتیجه‌گیری: میزان ارتکاب جرائم مورد بررسی در افراد واجد فرهنگ فقر نسبت به افراد فاقد این فرهنگ، بیش‌تر است و ارتکاب جرم از سوی افراد دارای فرهنگ فقر، حتماً نشان‌دهنده فقر آن‌ها نیست، بلکه این نگرش، در افراد حاشیه‌نشین محسوس‌تر است. لذا ضرورت دارد، نهادهای دولتی به‌ویژه شهرداری‌ها و نیروی انتظامی، آموزش‌های همگانی در خصوص تحول نگرش فرهنگ فقر و توانمندسازی افراد حاشیه‌نشین اقدام کنند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ فقر، جرم، حاشیه‌نشینی، ملارد.

استناد: عباسی، مراد و کاروانی، عبداللطیف (بهار ۱۳۹۹). رابطه بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۵(۵۷)، صص ۳۳-۵۰.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول:

abasi.mn@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه شیراز، abdollahifkarevani@yahoo.com

مقدمه

اگرچه از زمان شروع حاشیه‌نشینی در ایران، اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی می‌توان گفت که توسعه حاشیه‌نشینی، ارتباط تنگاتنگی با بزرگ شدن بی‌رویه شهرها داشته است. البته تاریخچه مطالعات مربوط به حاشیه‌نشینی در ایران به دهه ۱۳۴۰ شمسی برمی‌گردد (پیران، ۱۳۶۶، ص ۳۵). بر طبق این مطالعات، حاشیه‌نشینی قبل از سال ۱۳۳۰ به صورت محدود در چند شهر به وجود آمد، ولی اساساً تا قبل از اصلاحات اراضی، روندی بسیار کند داشته و به صورت یک مشکل اجتماعی در شهرها مطرح نبوده است. اما بعد از اصلاحات اراضی ۱۳۴۲ همراه با رشد مهاجرت، حاشیه‌نشینی نیز ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد. حاشیه‌نشینی در این هنگام راه فرار از معضلات روستایی و محلی برای داشتن سر پناهی هرچند نامناسب در حاشیه شهرها بود (مهجوریان، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

اگرچه فقر در مناطق حاشیه‌نشین به اذعان محققان پیشین، یکی از عوامل اصلی ارتکاب جرم در این مناطق بوده، اما عدم انطباق فرهنگی و اقتصادی مهاجران و ساکنان مناطق حاشیه‌نشین با استانداردهای زندگی شهری، موجب ایجاد فاصله، قشربندی و ایجاد طبقات شده است و به‌طور کلی، ضعف قابل‌ملاحظه در بنیان‌های آگاهی و دانش، بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز سازوکارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات در چارچوب نظامی غیرسنتی و مبتنی بر تجربه و اتفاق‌های روزمره زندگی و گرایش منفعت‌طلبانه فردی، منجر به گرایش‌های قانون‌گریزانه در این مناطق شده است (پوررجبی و مجدی، ۱۳۹۸، ص ۳۵). در نتیجه، شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی، مسائل متعددی را با خود به همراه دارد که فقط محدود به مناطق حاشیه‌نشین نمی‌شود و حتی کل یک شهر را متأثر می‌سازد. به‌طوری که پیامد آن، بروز انواع ناهنجاری‌ها در زمینه شهرنشینی است. اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیررسمی و کاذب، وجود ساخت‌وسازهای غیرمجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق، آلودگی زیست‌محیطی، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این مناطق بر کل سامانه شهری، افزایش جرم و انحرافات در این مناطق، همه از آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی، چه بر ساکنان آن مناطق و چه بر دیگر افراد ساکن در شهرهای بزرگ است (حسین‌اوغلی، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

حوزه‌های سکونت‌گاهی مناطق حاشیه‌نشین در مقایسه با سایر مناطق شهری دارای واحدهای مسکونی فرسوده و زیربنای اندک و مصالح ساختمانی نامناسب و تجهیزات ناقص می‌باشند و ساکنان این مناطق غالباً از امکانات رفاهی که خانواده‌های شهرنشین از آن برخوردارند، محروم می‌باشند (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱). جاذبه‌های اقتصادی در شهر مانند دسترسی به شغل بهتر و افزایش درآمد و دافعه‌های اقتصادی در روستاهای اطراف مانند درآمد کم، عدم دسترسی به امکانات و دافعه‌های اجتماعی و فرهنگی در محل سکونت قبلی مانند پایین بودن ارزش کار و فراهم نبودن زمینه برای پیشرفت، باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در محلات حاشیه‌نشین و به تبع آن موجب بروز انواع ناهنجاری‌ها و جرم در این محله‌ها شده است (رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰). برخی، گروه دوستان را مؤثرترین عامل در بزهکاری جوانان در مناطق حاشیه‌نشین عنوان کرده‌اند (راسخ و محمودی‌میمند، ۱۳۹۸، ص ۹).

گسترش تأسیسات شهری و شبکه‌های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از فروش نفت در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری، به‌ویژه، تهران شد و این معضل به شهرستان‌های قدیمی و خوش آب‌وهوای اطراف تهران که دارای امکانات شهری و سهولت رفت‌وآمد با تهران داشتند نیز کشیده شد. شهرستان ملارد به علت نزدیکی به تهران، شرایط آب و هوایی مناسب و قیمت ارزان زمین یکی از بهترین گزینه‌ها جهت سکونت و مهاجرت بوده است. مهاجرت‌های بی‌رویه و برنامه‌ریزی‌نشده طی دهه‌های اخیر مشکلات و تنگناهای بسیاری را برای مسئولان و برنامه‌ریزان شهری و همچنین ساکنان این شهر به وجود آورده و مناطقی از این شهرستان عملاً به منطقه حاشیه‌نشین تبدیل شده است. طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده و اخذ آمار از مراجع انتظامی، جرائمی از قبیل سرقت، مواد مخدر و نزاع و درگیری در این مناطق دارای فراوانی قابل توجهی بوده که همین امر نگارندگان را بر آن داشت تا رابطه برخی از جرائم مهم در مناطق حاشیه‌نشین شهرستان ملارد را با فرهنگ فقر مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند. بنابراین، پژوهش حاضر این سؤال اساسی را مورد بررسی قرار داده است که چه رابطه‌ای بین ابعاد مختلف فرهنگ فقر (تقدیرگرایی، بیگانگی اجتماعی، تمایل به مصرف‌گرایی، آینده‌نگری اندک و سرزنش فقر) و جرم در میان متهمان حاشیه‌نشین شهر ملارد وجود دارد؟

شهرستان ملارد یکی از ۱۵ شهرستان استان تهران است که در غرب استان تهران واقع شده و با مساحت ۹۶۰ کیلومترمربع، قبل از سال ۱۳۸۸ به‌عنوان یکی از بخش‌های شهرستان شهریار محسوب می‌شد که در سال ۱۳۸۸ از شهرستان شهریار منتزع و به‌عنوان شهرستان مستقل تأسیس شد. براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، جمعیت شهرستان ملارد ۳۲۱۸۲۰ نفر برآورد شد که از این تعداد، ۲۴۴۶۰۰ نفر ساکن شهرها و ۴۷۳۶۰ نفر ساکن روستاها بوده‌اند. جمعیت ملارد براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۳۷۷۲۹۲ نفر اعلام شده است که نشان‌دهنده رشد چشم‌گیر آن نسبت به سال ۱۳۸۵ است و از این تعداد، ۳۱۳۵۰۳ نفر ساکن در نقاط شهری و ۶۳۷۳۶ نفر ساکن در نقاط روستایی بودند و تعداد خانوارهای آن حدود ۱۱۵۱۵۴ خانوار برآورد شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

حاشیه‌نشینی^۱ به توسعه‌های شهری اطلاق می‌شود که بدون برنامه‌ریزی، هدایت، کنترل و بدون رعایت مقررات شهرسازی توسط توده مردم ایجاد می‌شود. حاشیه‌نشینان کسانی هستند که بیش‌تر تحت تأثیر عوامل منفی زادگاه خود و کم‌تر در اثر جنبه‌های مثبت شهر، به شهرها روی آورده‌اند، ولی به علت نداشتن مهارت، سرمایه و تحصیلات مناسب، نتوانسته‌اند جذب اقتصاد و بازار کار شوند و این امر باعث عدم تمکن مالی آن‌ها شده و آن‌ها را به حاشیه رانده و مجبور به سکونت در محله‌های ارزان کرده است. از دیدگاه سیمون چپمن^۲، هشت ویژگی غیرقانونی بودن، خلق‌الساعه بودن، خود احداث بودن، نبود خدمات شهری، توسعه بدون برنامه‌ریزی و اتفاقی، مکان‌گزینی حاشیه‌ای و نامناسب و تراکم جمعیت را می‌توان برای مناطق حاشیه‌نشین نام برد (صالحی امیری، ۱۳۸۹).

اسکار لوتیس، نظریه‌پرداز «فرهنگ فقر» معتقد است که فرهنگ فقر محدود و وابسته به تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای و اختلاف شهر و روستا و ویژگی‌های ملی نیست. فرهنگ فقر روشی از زندگی است که می‌تواند در شرایط و موقعیت‌های تاریخی گوناگون به وجود آید. بهترین مکان برای مطالعه این سبک زندگی، محله‌های فقیرنشین روستاها و شهرها است. فرهنگ یا روش زندگی ناشی از این شرایط را

1. Suburb Settlement
2. Simon Chapman

می‌توان براساس دست‌کم هفتاد ویژگی اجتماعی، اقتصادی و روانی که باهم ارتباط متقابل دارند، تشریح کرد. برای نمونه، در جامعه‌ای که شمار افراد باسواد و سطح سواد بالاست، بی‌سوادی بیش‌تر می‌تواند معرف فرهنگ فقر باشد تا در جامعه‌ای که بی‌سوادی در آن همه‌گیر است و چه‌بسا توانگران آن نیز بی‌سواد باشند (لوئیس، ۱۳۵۳، صص ۱۲۵-۱۲۶). همچنین، فرهنگ فقر را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون مانند رابطه آن به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ با فرهنگ وسیع‌تر جامعه، ماهیت اجتماع محله فقیرنشین^۱، ماهیت خانواده، طرز تفکر^۲، ارزش‌ها و ساخت خصوصیات متمیزه^۳ فرد مورد مطالعه قرار داد (لوئیس، ۱۳۵۳، صص ۱۲۷-۱۳۱).

موضوع مورد بررسی در تحقیقات مختلفی از ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. بشیریه و مظفری (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳)»، دریافتند که ارتباط معناداری بین حاشیه‌نشینی و جرم وجود دارد و میانگین نابسامانی خانواده، محل سکونت و توجیه اعمال مجرمانه، بالا و سطح اعتقاد به هنجارها، پایین است. فتح‌زاده و زاهدزاهدانی (۱۳۹۴) نیز در مطالعه خود با عنوان «برنامه‌ریزی راهبردی، به‌منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات سیلاب، احمدآباد و یانوق دره‌سی تبریز)»، به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی مهم‌ترین عامل در توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین می‌باشند. همچنین، روستایی، زادولی و زادولی‌خواجه (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی پراکنش فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (نمونه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز)» نشان دادند که کیفیت شاخص‌های اجتماعی در بلوک‌های نزدیک به متن شهر مطلوب‌تر از بلوک‌های حاشیه‌ای است؛ یعنی پراکنش فقر اجتماعی به حاشیه شهر گرایش دارد.

پروین و درویشی‌فرد (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی: محله هرنودی)»، به این نتیجه رسیدند که گروه‌هایی به نام «غربتی‌ها» که در آنجا زندگی می‌کنند دارای «خرده‌فرهنگ

1. Slum Community
2. Attitude
3. Character Structure

فقر» خاصی هستند. این خرده‌فرهنگ فقر شامل مواردی همچون فقر و ارزشمندی فقر، هیجان خواهی و لذت‌جویی، بی‌توجهی به قانون، اکنون بودن و عدم تمایل به آینده‌نگری، مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی است. نوابخش (۱۳۸۷) نیز در تحقیقی که به روش پیمایشی و درباره فقر و میزان رعایت قانون در بین حاشیه‌نشینان محله آخماقیه تبریز صورت داده است، به این نتیجه رسید که فرهنگ فقر بسترهای مناسبی را برای قانون‌گریزی فراهم آورده است. همچنین، ایران‌دوست و صرافی (۱۳۸۶) نشان دادند که تفاوت‌های بنیادی بین سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حال ترقی و در حال زوال کرمانشاه مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها ناشی از روند تکوین و تکامل و شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی سکونت‌گاه و نیز رویکرد مدیریت برنامه‌ریزی شهری است. با توجه به تفاوت سکونت‌گاه‌های غیررسمی، باید رویکرد سامان‌دهی و بهسازی سکونت‌گاه‌ها متفاوت باشد و دستور کار هر یک از سکونت‌گاه‌های امید و زوال از یکدیگر جدا باشد.

احمدی و ایمان (۱۳۸۴) در تحقیق خود با عنوان «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پاله شیراز»، به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر نظیر عدم تمایل به پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده با گرایش به رفتار بزهکارانه و تعامل بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان وجود دارد. نقدی و صادقی (۱۳۸۵) نیز نشان دادند که بخش عمده اسکان غیررسمی شهر همدان، ناشی از مهاجرت‌های روستاییان به شهر است. حاشیه‌نشینان از شهر و محل زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردارند. بهبود زیرساخت‌های فیزیکی شهر یا محله، مهم‌ترین اولویت آن‌ها برای بهبود وضعیت محسوب می‌شود.

لوئیس (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان «فرزندان سانچز»، مدلی مفهومی و منطقه‌ای برای فرهنگ فقر ارائه می‌کند. او می‌نویسد: در مکزیک، فرهنگ فقر حداقل شامل بخش سوّم و پایین جمعیت روستایی و شهری است. ویژگی این جمعیت، مرگ‌ومیر زیاد، کوتاه بودن طول عمر و زیاد بودن درصد جوانان در جامعه است. مؤلفه بعدی، کار کردن کودکان و زنان کارگر است. فرهنگ فقر در مکزیک، فرهنگی محلی و منطقه‌ای است. تعداد کمی از اعضای آن، به نهادهای ملی پیوسته‌اند و حتی با وجود اینکه در مراکز شهری بزرگ

زندگی می‌کنند، باز در حاشیه آن قرار دارند. در فعالیتهای بهداشتی، فعالیتهای مرتبط با مادران و مؤسسه‌های رفاه ملی مرتبط با اعانه‌های سالخورده‌گی به نام «سگوروی اجتماعی»^۱ شرکت نمی‌کنند. آن‌ها از بانک‌های شهر، بیمارستان‌ها، فروشگاه‌ها، تالارهای هنری و فرودگاه‌ها کم‌تر استفاده می‌کنند. در تحقیقی دیگر که ایرلن، مولس و اوشیا^۲ (۱۹۶۹) دربارهٔ ویژگی‌های فرهنگی فقر در بین فقراى اسپانیایی‌زبان و آمریکایی‌زبان ساکن امریکا انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که فقراى اسپانیایی‌زبان امریکا بیش‌تر به اظهار ارزش‌های رایج در فرهنگ فقر تمایل دارند. محرومیت اقتصادی زیاد و فراوانی جمعیت، این ارزش‌ها را در مقایسه با آمریکایی‌ها کم‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهد. آن‌ها نتیجه گرفتند که وضعیت مکانی فقر بر بیش‌تر ویژگی‌هایی که از بحث لوئیس حمایت می‌کنند، نه بخشی از یک فرهنگ جدی، تأثیر گذاشته است.

نظریه‌پرداز اصلی حوزه فرهنگ فقر «اسکار لوئیس» است. وی فرهنگ فقر را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها می‌داند که ضرورتاً متفاوت با فرهنگ طبقه متوسط است و سازگار با موقعیتی است که طبق آن به افراد فقیر اجازه نمی‌دهد با جامعه حاکم یکپارچه شوند (لوئیس^۳، ۱۹۶۶). اسکار لوئیس در نظریه فرهنگ فقر، فرایند بازتولید فقر را به‌ویژه در محلات حاشیه‌ای و آلونک‌نشین شهری تبیین و تحلیل کرده است. این نظریه زیرمجموعه نظریه‌های خرده‌فرهنگی قرار می‌گیرد که بر تمایز هنجارها و ارزش‌هایی تأکید دارند که گروه‌های متفاوت بدان پایبندند و مدعی می‌شوند که علت تحقق جرم نوعی تعارض میان هنجارهاست. در واقع، فرهنگ فقر سندرم ویژه‌ای است که در برخی اوضاع اجتماعی خاص رشد کرده است. این فرهنگ تجسم مشترک ارزش‌ها، هنجارها و الگویی متفاوت از فرهنگ عمومی جامعه است. به تعبیر اسکار لوئیس، در حقیقت، فقرا شیوه زندگی و خرده‌فرهنگ خاص خود را دارند. او فقر را دارای ساخت‌وساز و کاری عقلایی با شیوه‌ای از زندگی پابرجا معرفی می‌کند که از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. وی معتقد است که فقر صرفاً جنبه سلبی ندارد و فقط به معنای محرومیت اقتصادی نیست، بلکه فقر شیوه‌ای از تفکر و مجموعه‌ای از هنجارهاست که ویژگی سازگارکننده نیز دارد. نکته مهم‌تر اینکه نسل‌های مختلف این فرهنگ را به ارث

1. Social Seguro.

2. Ireland, Moles & O' Shea.

3. Lewis

می‌برند و آن را باز تولید می‌کنند. فرهنگ فقر، فرهنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه‌داری و توسعه جوامع شهری به وجود آمده است. لویس تأکید دارد که شرایط معیشتی، تعیین‌کننده اصلی رفتار و ارزش‌های قشرهای فقیر نیست، بلکه رفتار این افراد را باید واکنشی به حساب آورد که در برخی از اوضاع و احوال اجتماعی از نظر فرهنگی تکامل می‌یابد. بر همین اساس، او مدعی است که فقر را نمی‌توان صرفاً به معنای وجود محرومیت‌های اقتصادی، نابه‌سامانی اجتماعی یا فقدان برخی مزیت‌های دیگر دانست، بلکه مشاهده دقیق این پدیده نشان می‌دهد که فقر، در همان حال، می‌تواند وضعیتی مثبت و دارای سودمندی‌هایی خاص نیز باشد و مزایای آن چنان تعیین‌کننده و مهم است که اشخاص فقیر با وجود شرایط طاقت‌فرسایی که با آن مواجهند، به‌سختی قادر خواهند بود تا بدون آن به زندگی خود ادامه دهند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶، ص ۳۴۹). نظریه مذکور به روشنی نشان داد که حاشیه‌نشینی با فرهنگ فقر همراه بوده و ساکنان این مناطق که بیش‌تر مهاجران می‌باشند، به لحاظ سوابق قومی و محدودیت در تحرک اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایینی که دارند با ساکنان سایر مناطق شهری متفاوت هستند. ماجراجویی، پرخاشگری و تن دادن به احساسات و امیال آنی از ویژگی‌های فرهنگ فقر است که در مناطق حاشیه‌نشین حاکم است.

روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر یک پژوهش کاربردی با رویکرد کمی است که اطلاعات مربوط در بخش چارچوب نظری و پیشینه پژوهش به روش اسنادی و در بخش یافته‌ها به روش پیمایش مقطعی، جمع‌آوری شد. با توجه به هدف تعریف شده، ضرورت داشت جامعه آماری پژوهش از میان متهمان به‌صورت مقطعی انتخاب شود. به همین علت از متهمانی که در بازه زمانی بهمن‌ماه سال ۱۳۹۵ به کلانتری‌های مستقر در شهر ملارد مراجعه کرده بودند و دارای سابقه حداقل یک‌مرتبه ارتکاب جرم و حداقل ۲ ماه سکونت در مناطق حاشیه‌نشین شهر ملارد (سرآسیاب، شهرک طالقانی و محله قدیمی ملارد) را داشتند، انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی ساده بوده است که داده‌های موردنیاز نیز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شدند. این پرسشنامه به دو بخش کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سؤال‌های اصلی ابعاد فرهنگ فقر (تقدیرگرایی، بیگانگی اجتماعی، تمایل به مصرف‌گرایی، آینده‌نگری اندک و سرزنش فقر) به‌صورت پنج

گزینه‌ای لیکرتی تقسیم شد. برای تعیین روایی سؤالات پرسشنامه از روش صوری استفاده شده است. در این زمینه پرسشنامه به صاحب‌نظران داده شد تا نظرات خود را در مورد سؤالات مطرح کنند و پس از دریافت نظر آن‌ها، نسبت به اصلاح سؤالات و گویه‌ها اقدام شد. برای سنجش پایایی گویه‌ها از شیوه بررسی همسازی یا همبستگی گویه به گویه استفاده شده است. بدین وسیله، پایایی کل مقیاس با استفاده از آماره «آلفای کرونباخ» سنجیده شد و نتایج این آزمون حاکی از این بود که همه شاخص‌ها از پایایی بالای ۰/۷۰ برخوردار هستند. داده‌های به دست آمده نیز با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و با آزمون‌های آماری مناسب از جمله آزمون همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

بررسی وضعیت نمونه مورد سؤال نشان داد که بیش‌ترین فراوانی سن پاسخگویان مربوط به رده سنی بین ۲۵ تا ۳۵ سال معادل ۳۷ درصد بوده است. از نظر تحصیلات هم می‌توان گفت که بیش‌ترین فراوانی تحصیلات پاسخگویان به مقطع راهنمایی و پایین‌تر به میزان ۷۰ درصد بوده است. نزدیک به ۵۰ درصد پاسخگویان درآمد ماهیانه بین ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار داشته‌اند که در واقع درآمد نصف پاسخگویان بسیار پایین بوده است. ۴۲ درصد از پاسخگویان مجرد، ۳۴ درصد متأهل و ۲۴ درصد هم سابقه طلاق داشته‌اند. طبق بررسی صورت گرفته، پاسخگویان از لحاظ محل تولد، ۳۹ درصد در شهر و ۲۳ درصد در حاشیه شهر متولد شده بودند که ۳۸ درصد به این سؤال اصلاً پاسخ نداده‌اند.

فرضیه اول: بین متغیرهای زمینه‌ای و نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱ - رابطه بین سن و نوع جرم (آزمون پیرسون)

سن و نوع جرم	سرقت	تخریب اموال	مصرف مواد مخدر	نزاع و درگیری	آدم‌ربایی	جرایم منافی عفت
میزان همبستگی	۰/۱۹۴	-۰/۱۰۱	۰/۱۴۵	-۰/۱۸۳	۰/۱۷۵	۰/۱۷۴
سن	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰

اطلاعات جدول ۱ در خصوص رابطه بین سن پاسخگویان و نوع جرم نشان می‌دهد که بین سن پاسخگویان و سرقت، مصرف مواد مخدر، آدم‌ربایی و جرایم منافی عفت

رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و این رابطه در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. همچنین، بین سن پاسخگویان و تخریب اموال، رابطه معنادار منفی و معکوسی وجود دارد.

جدول ۲ - رابطه بین میزان تحمیلت و نوع جرم (آزمون پیرسون)

میزان تحمیلت و نوع جرم	سرقت	تخریب اموال	مصرف مواد مخدر	نزاع و درگیری	آدم‌ربایی	جرایم منفی عفت
میزان همبستگی	-۰/۱۴۴	-۰/۱۳۱	۰/۰۰۵	-۰/۱۶۳	-۰/۱۷۵	-۰/۰۶۴
سطح معناداری	۰/۰۱۲	۰/۰۱۵	۰/۴۰۴	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴
تعداد پاسخ	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰

اطلاعات جدول ۲ در خصوص رابطه بین میزان تحمیلت و نوع جرم نشان می‌دهد که بین میزان تحمیلت و میزان سرقت، تخریب اموال، نزاع و درگیری و آدم‌ربایی رابطه معنادار منفی و معکوسی وجود دارد، ولی بین میزان تحمیلت و مصرف مواد مخدر و جرایم منفی عفت رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۳ - رابطه بین میزان درآمد و نوع جرم (آزمون پیرسون)

میزان درآمد و نوع جرم	سرقت	تخریب اموال	مصرف مواد مخدر	نزاع و درگیری	آدم‌ربایی	جرایم منفی عفت
میزان همبستگی	-۰/۱۶۱	-۰/۰۳۱	۰/۰۴۵	-۰/۰۰۲	-۰/۰۴۱	-۰/۰۳۲
سطح معناداری	۰/۰۱۰	۰/۰۶۵	۰/۰۵۴	۰/۴۱۰	۰/۰۵۶	۰/۶۱۰
تعداد پاسخ	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰

اطلاعات جدول ۳ در خصوص رابطه بین میزان درآمد پاسخگویان و نوع جرم نشان می‌دهد که بین میزان درآمد و جرایمی مثل سرقت، رابطه معنادار منفی و معکوسی وجود دارد. ولی بین میزان درآمد پاسخگویان و تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرایم منفی عفت رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۴ - رابطه بین محل تولد و نوع جرم

محل تولد و نوع جرم	محل تولد	تعداد پاسخ	میانگین	سطح معناداری
سرقت	شهر	۴۶	۵/۲۴	۰/۰۰۰
	حاشیه شهر	۲۸	۷/۳۶	۰/۰۰۰
تخریب اموال	شهر	۴۶	۶/۶۱	۰/۰۰۰
	حاشیه شهر	۲۸	۹/۱۴	۰/۰۰۰
مصرف مواد مخدر	شهر	۴۶	۸/۷۰	۰/۰۰۰
	حاشیه شهر	۲۸	۱۰/۲۶	۰/۰۰۰
نزاع و درگیری	شهر	۴۶	۴/۸۱	۰/۰۰۰
	حاشیه شهر	۲۸	۷/۵۶	۰/۰۰۰
جرایم منفی عفت	شهر	۴۶	۵/۶۲	۰/۰۲۲
	حاشیه شهر	۲۸	۶/۴۱	۰/۰۲۲

اطلاعات جدول ۴ در خصوص رابطه بین محل تولد و نوع جرم نشان می‌دهد میزان ارتکاب جرائم توسط افرادی که در شهر متولد شدند و افرادی که در حاشیه شهر متولد شدند، تفاوت معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نیز نشان داد که میزان ارتکاب همه جرائم در افرادی که در حاشیه شهر متولد شدند، نسبت به کسانی که در شهر متولد شدند، بیشتر است. البته ۳۸ درصد جامعه آماری به این سؤال پاسخ نداده‌اند که متولد کجا هستند.

فرضیه دوم: بین فرهنگ فقر (شاخص کل) و نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵ - رابطه بین فرهنگ فقر (شاخص کل) و نوع جرم (آزمون پیرسون)

جرم	منافی عفت	آدم‌ربایی	نزاع و درگیری	مصرف مواد مخدر	تخریب اموال	سرقت	فرهنگ فقر (شاخص کل) و نوع جرم
میزان همبستگی	-۰/۱۲۲	-۰/۱۸۶	-۰/۲۰۵	-۰/۱۷۴	-۰/۲۲۱	-۰/۱۸۱	فرهنگ فقر (شاخص کل)
سطح معناداری	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	(شاخص کل)
تعداد پاسخ	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	

نظر به فرضیه اصلی پژوهش، اطلاعات جدول ۵ در خصوص رابطه بین فرهنگ فقر (شاخص کل) و نوع جرم نشان می‌دهد که بین فرهنگ فقر و نوع جرم رابطه معنادار منفی و معکوسی وجود دارد؛ این بدان معناست که شاخص فرهنگ فقر با همه جرائم سرقت، تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرائم منافی عفت رابطه معنادار منفی و معکوسی دارد و شدت این رابطه هم به ترتیب برای سرقت برابر با ۰/۱۸۱-، برای تخریب اموال برابر با ۰/۲۲۱-، برای مصرف مواد مخدر برابر با ۰/۱۷۴-، برای نزاع و درگیری برابر با ۰/۲۰۵-، برای آدم‌ربایی برابر با ۰/۱۸۶- و برای جرائم منافی عفت برابر با ۰/۱۲۲- است و همچنین، همه این رابطه‌ها در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است.

فرضیه سوم: بین ابعاد فرهنگ فقر (تقدیرگرایی، بیگانگی اجتماعی، تمایل به مصرف‌گرایی، آینده‌نگری اندک و سرزنش فقر) و نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶ - رابطه بین ابعاد فرهنگ فقر و نوع جرم (آزمون پیرسون)

جرایم منافی عفت	آدم‌ربایی	نزاع و درگیری	مصرف مواد مخدر	تخریب اموال	سرقت	ابعاد فرهنگ فقر و نوع جرم	
-۰/۱۵۴	-۰/۱۴۱	-۰/۱۹۲	-۰/۱۹۴	-۰/۱۰۱	-۰/۱۷۴	میزان همبستگی	تقدیرگرایی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	تعداد پاسخ	
-۰/۰۹۶	-۰/۱۱۶	-۰/۱۷۶	-۰/۱۹۷	-۰/۱۷۴	-۰/۱۶۵	میزان همبستگی	بیگانگی اجتماعی
۰/۰۲۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	تعداد پاسخ	
-۰/۰۸۸	-۰/۱۱۰	-۰/۰۸۶	-۰/۱۱۲	-۰/۰۹۵	-۰/۱۰۲	میزان همبستگی	تمایل به مصرف‌گرایی
۰/۰۴۱	۰/۰۰۴	۰/۰۴۳	۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	سطح معناداری	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	تعداد پاسخ	
-۰/۱۴۲	-۰/۰۹۷	-۰/۱۸۱	-۰/۰۸۴	-۰/۱۱۴	-۰/۱۲۵	میزان همبستگی	آینده‌نگری اندک
۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	تعداد پاسخ	
-۰/۱۱۶	-۰/۰۹۵	-۰/۰۸۶	-۰/۱۹۴	-۰/۱۱۲	-۰/۱۸۶	میزان همبستگی	سرزنش فقر
۰/۰۱۰	۰/۰۲۱	۰/۰۴۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	تعداد پاسخ	

اطلاعات جدول ۶ در خصوص رابطه بین ابعاد فرهنگ فقر و نوع جرم نشان می‌دهد که بین همه ابعاد فرهنگ فقر (تقدیرگرایی، بیگانگی اجتماعی، تمایل به مصرف‌گرایی، آینده‌نگری اندک و سرزنش فقر) و انواع جرائم (سرقت، تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرایم منافی عفت) رابطه معنادار منفی و معکوسی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین فرهنگ فقر و ارتکاب جرم در مناطق حاشیه‌نشین ملارد اجرا شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که هرچه میزان سن بالاتر برود، احتمال اینکه افراد جرائمی مانند سرقت، مصرف مواد مخدر، آدم‌ربایی و جرایم منافی عفت را مرتکب شوند، افزایش پیدا می‌کند. اما احتمال ارتکاب جرم تخریب اموال در سنین پایین نسبت به سنین بالا بیش‌تر است. نتیجه بعدی اینکه هرچه میزان تحصیلات پایین باشد، احتمال ارتکاب جرم سرقت، تخریب اموال، نزاع و درگیری و آدم‌ربایی بیش‌تر است، ولی بین میزان تحصیلات و مصرف مواد مخدر و جرایم منافی عفت رابطه معناداری وجود نداشت. همچنین، پایین بودن درآمد

پاسخگویان بر میزان افزایش ارتکاب جرائم مثل سرقت مؤثر بوده، ولی بین میزان درآمد پاسخگویان و تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرائم منافی عفت رابطه معناداری وجود نداشت. طی مقایسه میانگین‌ها، این نتیجه حاصل شد که میزان ارتکاب جرائم در افرادی که در حاشیه شهر متولد شدند، نسبت به کسانی که در شهر متولد شدند، بیش‌تر است. ارزیابی پژوهش‌های انجام شده نشان داد مطالعات نسبتاً زیادی به اجرا درآمده است که رابطه بین حاشیه‌نشینی و عوامل مختلف مانند جرم و فقر را مورد سنجش قرار داده است. این در حالی است که به موضوع فرآیند شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و رابطه فرهنگ فقر با جرم در مناطق حاشیه‌نشین توجه لازم نشده است. تنها تحقیق انجام‌شده در این ارتباط مربوط به احمدی و ایمان (۱۳۸۴) با عنوان «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پایله شیراز» است. پژوهش حاضر از دو جهت با تحقیق نگارندگان یادشده دارای تفاوت است؛ نخست اینکه پژوهش حاضر در مورد جرم است، اما تحقیق احمدی و ایمان در مورد بزهکاری بوده است.^۱ دوم اینکه پژوهش حاضر در محدوده جغرافیایی خاصی یعنی شهر ملارد اجرا شده و از این نظر هم متفاوت است.

براساس نتایج تحقیق، فرهنگ فقر بر ارتکاب همه جرائم موردنظر تأثیر معنادار منفی داشته و وجود فرهنگ فقر، احتمال ارتکاب این نوع جرائم را افزایش می‌دهد. این بدان معناست که میزان ارتکاب این جرائم در افرادی که فرهنگ فقر دارند نسبت به کسانی که دچار فرهنگ فقر نیستند، بیش‌تر است و احتمال بیش‌تری برای ارتکاب این نوع جرائم متصور است. همچنین، بین همه ابعاد فرهنگ فقر (تقدیرگرایی، بیگانگی اجتماعی، تمایل به مصرف‌گرایی، آینده‌نگری اندک و سرزنش فقر) و انواع جرائم (سرقت، تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرائم منافی عفت) رابطه معنادار منفی و معکوسی وجود دارد.

با توجه به اینکه در نظریه فرهنگ فقر، فرآیند بازتولید فقر به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین تبیین شده و در برخی اوضاع اجتماعی خاص رشد می‌کند و این فرهنگ، تجسم مشترک ارزش‌ها، هنجارها و الگویی متفاوت از فرهنگ عمومی جامعه است. بر این

۱. بزهکاری به جرم و انحرافی گفته می‌شود که توسط کودکان و نوجوانان انجام می‌شود، اما جرم به انحرافی گفته می‌شود که توسط بزرگسالان و افرادی که در سن قانونی قرار دارند، انجام می‌شود.

اساس، فقر صرفاً جنبه سلبی ندارد و در واقع فقط به معنای محرومیت اقتصادی نیست، بلکه فقر شیوه‌ای از تفکر و مجموعه‌ای از هنجارهاست که ویژگی سازگارکننده نیز دارد. لذا نتیجه پژوهش حاضر، هم‌راستا با نتایج تحقیقات نظریه پرداز اصلی «فرهنگ فقر»، اسکار لوئیس (۱۳۸۷) است. همچنین، همان‌طور که نشان داده شد، میزان انواع جرائم در افرادی که دچار فرهنگ فقر در مناطق حاشیه‌نشین ملارد هستند، بیش‌تر از سایر افراد است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش بشیریه و مظفری (۱۳۹۷) مبنی بر «وجود ارتباط معنادار بین حاشیه‌نشینی و جرم»، تحقیق روستایی، زادولی و زادولی‌خواجه (۱۳۹۴) مبنی بر «گرایش پراکنش فقر اجتماعی به حاشیه شهر»، پژوهش پروین و درویشی‌فرد (۱۳۹۴) مبنی بر «زندگی گروهایی به نام غربتی‌ها در محله هرندی تهران تحت خرده‌فرهنگ فقر»، نوابخش (۱۳۸۷) مبنی بر «وجود فرهنگ فقر بستر مناسب برای قانون‌گریزی»، مطالعه نقدی و صادقی (۱۳۸۵) مبنی بر «عدم رضایت حاشیه‌نشینان از شهر و محل زندگی خود و پایین بودن احساس تعلق شهروندی» و در نهایت با تحقیق احمدی و ایمان (۱۳۸۴) مبنی بر «وجود رابطه معنادار بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر، نظیر عدم تمایل به پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده با گرایش به رفتار بزهکارانه و تعامل بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان» همسو است.

نظر به اینکه، اصلی‌ترین یافته پژوهش، احراز رابطه معنادار بین فرهنگ فقر و ارتکاب جرم است. پیشنهاد می‌شود نهادهای دولتی به‌ویژه شهرداری‌ها و نیروی انتظامی در خصوص فرهنگ فقر و زندگی توأم با نگرش فقیرانه، آموزش‌های همگانی در خصوص تحول نگرش و توانمندسازی فکری افراد جامعه خصوصاً حاشیه‌نشین‌ها اقدام کنند. در کنار رفع فرهنگ فقر، توجه به حاشیه‌نشینی و ارتقای سطح زندگی فقرا مورد تأکید است. این امر با ایجاد مشاغل خرد، مشارکت دادن افراد حاشیه‌نشین در طرح‌های توسعه‌ای و فقرزدایی، ارتقای وضعیت بهداشتی و زیست‌محیطی، مبارزه جدی با جرائم مواد مخدر، نزاع و درگیری و سرقت در مناطق حاشیه‌نشین و توزیع عادلانه خدمات در مناطق حاشیه‌نشین امکان‌پذیر خواهد بود.

محدودیت‌های پژوهش

در اجرای پژوهش حاضر، نظر به ضرورت تکمیل پرسشنامه از سوی متهمان، فرآیند گردآوری اطلاعات و جلب اعتماد ایشان بسیار زمان‌بر و دشوار بود.

تشکر و قدردانی

در پایان، نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همکاری مسئولان کلانتری‌های ملارد، مارلیک و طلائییه فرماندهی انتظامی شهرستان ملارد و عوامل محترم اجرایی به ویژه گروه دبیران و اساتید ارزیاب فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی در به ثمر نشستن پژوهش حاضر، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پایله شیراز در سال ۱۳۸۳. *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ۱۹ (۲)، صص ۹۹-۱۱۸. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=49036>
- ایران‌دوست، کیومرث و صرافی، مظفر (۱۳۸۶). یاس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). *فصلنامه رفا اجتماعی*. ۷ (۲۶)، صص ۲۰۱-۲۲۲. بازیابی از: <https://www.magiran.com/p568663>
- بشیریه، تهمورث و مظفری، محمدسعید (بهار و تابستان ۱۳۹۷). رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳). *نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*. ۶ (۱۱)، صص ۱۹۰-۱۶۱. بازیابی از: http://jclc.sdil.ac.ir/article_66830.html
- پوررجبی، میلاد و مجدلی، علی‌اکبر (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد. *فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*. ۱۳ (۴)، صص ۶۰-۳۵. بازیابی از: http://www.farhangekhorasan.ir/article_105306.html
- راسخ، کرامت‌اله و محمودی‌میمنند، سمیه (۱۳۹۸). عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر بزهکاری جوانان حاشیه‌نشین در شهر کرمان. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*.

- ۱۴(۵۲)، صص ۲۸-۹. بازیابی از: http://cps.jrl.police.ir/article_92587.html
- روستایی، شهرپور؛ زادولی، فاطمه و زادولی خواجه، شاهرخ (زمستان ۱۳۹۴). تحلیل فضایی پراکنش فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (مطالعه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز). نشریه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای. (۱)، صص ۷۲-۹۸. بازیابی از: http://urdp.atu.ac.ir/article_2314.html
- پروین، ستار و درویشی فرد، علی اصغر (۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی: محله هرنندی (دروازه‌غار سابق تهران)). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۶(۲۳)، صص ۸۹-۵۱. بازیابی از: http://journals.atu.ac.ir/article_1743.html
- پیران، پرویز (آذر ۱۳۶۶). شهرنشینی شتابان و ناهمگون، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۰-۵۷. بازیابی از: <http://noo.rs/SvjCr>
- حسین اوغلی، جواد (۱۳۸۶). بررسی اسکان غیررسمی در منطقه کلانشهر تهران (نمونه موردی: حصار امیر و شهرک انقلاب)، رساله دکتری دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- رضایی، محمدرضا و کمانداری، محسن (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان (مطالعه موردی: محلات سیدی و امام حسن). فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی. ۴(۱۵)، صص ۱۹۶-۱۷۹. بازیابی از: <http://noo.rs/GiZdJ>
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۶). جرم‌شناسی نظری و جامعه‌شناسی کج‌روی. تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۹). مجموعه مقالات مدیریت و برنامه‌ریزی شهری. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- فتح‌زاده، حیدر و زاهدزاهدانی، سیدسعید (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی راهبردی به‌منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره‌سی تبریز). دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. ۴(۶)، صص ۸۸-۶۱. بازیابی از: https://csr.basu.ac.ir/article_1423.html
- لویس، اسکار (تابستان ۱۳۵۳). فرهنگ فقر (سیدمهدی ثریا، مترجم). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی. دوره قدیم، شماره ۴، صص ۱۴۰-۱۲۴. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/creator/24665>

- لوئیس، اسکار (۱۳۸۷). *فرزندان سانچز* (حشمت کامرانی، مترجم). جلد یکم. تهران: هرمس.

- مهجوریان، محمدرضا (۱۳۸۱). *بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر رضایت‌مندی مهاجرین در نقاط حاشیه‌نشین فلاورجان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

- نقدی، اسدالله و صادقی، رسول (۱۳۸۵). *حاشیه‌نشینی چالشی فراوی توسعه پایدار شهر (با تأکید بر شهر همدان)*. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۲۰)، صص ۲۳۴-۲۱۳. بازیابی از: <https://b2n.ir/600757>

- نوابخش، مهدی (۱۳۸۷). *ارتباط فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی*. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۱۱(۳)، صص ۱۲۲-۹۳. بازیابی از: <https://b2n.ir/689867>

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). *سرشماری نفوس و مسکن*. پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران. مشاهده‌شده در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹: <https://www.amar.org.ir>

منابع انگلیسی

- Irelan, L. M., Moles, O. C. & O' Shea, R. M. (Jun 1969). *Ethnicity, Poverty, and Selected Attitudes: A Test of the "Culture of Poverty" Hypothesis*, *Social Forces*, Vol. 47 (4): 405-413. Retrieved from: <http://www.jstor.org/stable/2574529>.

- Lewis, Oscar (1966). *La Vida: A Puerto Rican Family in the Culture of Poverty*, San Juan and New York, New York: Random House.

